

گزارش بزرگداشت «روز اکو» سازمان همکاری های اقتصادی

فرشته مهدی رفیع

چکیده

اکو یکی از موسساتی است که به منظور کمک به شناسایی و حل مشکلات و معضلاتی که متوجه منطقه است، تاسیس شده است. به مناسبت بزرگداشت «روز اکو» سازمان همکاری های اقتصادی یکشنبه ۸ آذر ماه ۱۳۸۸ نشستی با حضور آقای یحیی معروفی (دبیر کل اکو) و آقای طاهریان (معاون دبیر کل اکو) و خانم دکتر الهه کولایی، مدیر برنامه اوراسیای مرکزی، آقایان دکتر ابراهیم متقی و داوود آقایی استادان دانشگاه تهران، در سالن مرکز مطالعات بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست به اهمیت همکاری میان ملت ها به ویژه کشورهای که همسایه هستند و فرهنگ، دین و مذهب مشترک دارند و عوامل موفقیت و عدم موفقیت در این سازمان پرداخته شد.

کلید واژه ها

اکو، ایران، پاکستان، ترکیه

در ابتدای این نشست آقای دکتر موسوی رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی ضمن تشکر از برگزارکنندگان این بزرگداشت و خوش آمدگویی به حضار و مهمانان خارجی شرکت کننده به اهمیت همکاری میان ملت ها اشاره کردند. ایشان همکاری میان کشورها را راه حل مشکلات آنها دانستند، به ویژه کشورهایی که همسایه اند و فرهنگ، دین و مذهب مشترک دارند. وی افزود این سازمان از ابتدا با سه کشور ایران و پاکستان و ترکیه تشکیل شد، ولی خوشبختانه امروز تعداد کشورهای عضو زیاد شده است و می تواند باز هم گسترش پیدا کند و از این نیروی بالقوه استفاده شود. این در حالی است که برخی از کشورهای قدرتمند با اینکه تعدادشان محدود است تصمیم دارند که منابع، اقتصاد و انرژی دنیا را در دست خودشان داشته باشند و بتوانند برای کل دنیا تصمیم گیری کنند. اینجا کشورهایی که به اصطلاح در حال توسعه تلقی می شوند متأسفانه با توجه به منابع غنی که دارند از لحاظ منابع معدنی، منابع نفتی و حتی منابع فرهنگی ممکن است که خیلی قدرت تصمیم گیری در جهان نداشته باشند. به طور طبیعی وجود چنین سازمان هایی کمک می کند که کشورها دور هم جمع شوند و تصمیمات واحدی بگیرند. با توجه به نیروهای بالقوه اقتصادی، انرژی و مانند آن که در آنها وجود دارد در همه زمینه ها می توانند فعالیت های مختلف داشته باشند و بتوانند در جهان حرف خود را بزنند.

سپس آقای معروفی دبیر کل سازمان اکو سخنرانی خود را آغاز کردند. وی گفت: خواندند. بهتر است افراد برگزاری این برنامه را در قالب علوم و دانشگاه دارای اهمیت خاصی از کتابهایی که اساتید محترم و به خصوص خانم دکتر کولایی که در سطح علمی تمامی جوانب فعالیت های اکو را بررسی کرده اند و دور نمای نهاد را در تالیفاتشان بسیار خوب بررسی شده است استفاده کنند. آنچه که در مورد اکو بر طبق این منابع که مورد تأیید خاص

ماست این است که اکو هویت منطقه ای دارد. این هویت منطقه ای بر اساس تحولات بین‌المللی و نیاز بین‌المللی روز به روز توسعه پیدا می‌کند. ما در آمریکای لاتین سازمان کشورهای لاتین، در آفریقا سازمان قاره آفریقا، در آسیا اکو، شانگهای، سارک و موسسات دیگر منطقه ای که هر یک معرف هویت منطقه ای آن‌ها است، بوجود آمده‌اند. در اینجا دو موضوع را می‌توانیم مورد بررسی قرار دهیم: یک هویت سیاسی منطقه است که اکو می‌تواند معرف هویت سیاسی این منطقه باشد. از روزی که سازمان اکو پایه ریزی شد هویت سیاسی آن نیز از طرف دولت‌ها شناخته و این هویت سیاسی با توافق 10 کشور (در ابتدا سه کشور و بعد با اضافه شدن 7 کشور به آنها) تثبیت شد. بعد از جنگ جهانی دوم وقتی سازمان ملل متحد بوجود آمد مسائلی مطرح شد که فراتر از اصول گذشته بود. باید اصولی را تشخیص می‌دادند و تأیید می‌کردند. اصول همزیستی در مورد مسائل اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشر، مسائل سیاسی و حل مناسبات، توسعه مناسبات، حل منازعات بین کشورها. بعد از این که تعداد کشورها بیشتر شد، مشکل تصمیم‌گیری در سازمان‌های بین‌المللی به‌وجود آمد. افزایش تعداد کشورها و نیز به وجود آمدن تقاضاهای بیشتر و در بعضی موارد اختلاف‌های سیاسی دنیا را متوجه ساخت برای اینکه بتوان با مسائل روزمره و مسائلی که ما را تهدید می‌کنند، برخورد عاقلانه وجود داشته باشد، (مسائل محیطی، روابط اقتصادی، تجاری و مسائل حقوقی) باید از نقطه نظر ملی به شکل عاقلانه برخورد کرد و در صدد پیدا کردن راه‌حلهای اجرایی برای آنها برآمد.

به این ترتیب در خود سازمان ملل به طرف تخصص‌پیش‌رفتند و سازمانهای اختصاصی شکل گرفت، سازمان کشاورزی، سازمان هواشناسی و غیره. در اینجا است که سازمان‌های غیر دولتی بوجود می‌آیند. سازمان‌های غیر دولتی از جمله موسساتی هستند که باید به اندازه استعداد و ماهیت خود به مسائل توجه کنند و حالت اجرایی داشته باشند و بیشتر به این سمت پیش بروند. در قسمت منطقه‌ای نیز همین حالت است. کشورها متوجه شده‌اند که وقتی با هم در یک جا باشند و در عین حال مشترکاتی از نظر مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دیگر مسائل داشته باشند اگر با توجه به مشترکاتی که دارند عمل کنند، نتیجه عملشان بهتر خواهد بود.

اکو هم یکی از این موسسات است که به همین منظور برای کمک به شناسایی و حل مشکلات و معضلاتی که متوجه منطقه است تاسیس شده است. این هویت سیاسی سازمان

است که کشورها را دور هم جمع کرده است و با استفاده از اشتراکات و احتیاجات مشترک می‌توانند در تشخیص معضلات منطقه ای تلاش کنند و به نتیجه برسند. بخش دیگر سازمان اکو هویت اقتصادی و فرهنگی آن است. هویت اقتصادی مربوط به ایجاد روابط اقتصادی بین کشورهای منطقه در تجارت، حمل و نقل زمینی، خطوط آهن، تسهیلات ترانزیتی، تاسیس بازارهای مشترک، انتقال کالا از جایی به جای دیگر است. این شامل تمام مسائل اقتصادی است. در قسمت اقتصادی هم باید کارهای زیر بنایی صورت بگیرد. از بین بردن تعرفه های گمرگی، از نظر تسهیلات، ترانزیت و ... البته در مورد اقتصادی ابزارهای دیگری هم لازم است. از جمله ابزارهای مالی ضرورت دارد که در برنامه ها کارهای زیربنایی آن انجام شده است. یکی از این ابزارهای مالی بانک اکو است آن هم بانک توسعه است. کشورهای داخل و خارج منطقه که مشترکاتی با ما دارند رانمی توان نادیده گرفت از جمله هندوستان، چین و روسیه که می‌توانیم روابط غیر مستقیم و طرح مسائل مشترک را وسعت ببخشیم.

روابط ما با جامعه بین المللی وسیع تر است. با سازمان ملل و سازمان های اختصاصی در مسائل مختلف روابطی وجود دارد و روز به روز توسعه پیدا می کند. ما در صدد تدوین برنامه های مشترک هستیم. در بعد فرهنگی مسئله مهمی که وجود دارد این است که 10 کشور عضو اکو، از نظر فرهنگی روابط بسیار عمیقی با یکدیگر دارند. اینکه در افغانستان دری، در تاجیکستان تاجیکی و در ایران فارسی و در جای دیگر ترکمنی صحبت می شود، وجه تمایز این کشورها نیست. این وجه برای این است که ما متوجه باشیم که در مسائل فرهنگی از نظر بنیادی اشتراک داریم و این اشتراک بنیادی ما به طور کامل مشهود است. ما باید در مسائل فرهنگی خودمان به این عناصر مهم، اساسی و بنیادی که این منطقه را با هم پیوند می دهد، توجه کنیم و در تقویت هویت فرهنگی منطقه تلاش کنیم.

سخنران بعدی این نشست آقای طاهریان معاون دبیر کل اکو، صحبت های خود را با ذکر مطالبی در خصوص ایجاد شکل های منطقه ای در دوره جنگ سرد و پس از آن آغاز کرد و گفت: یکی از ویژگی های عمده روابط بین الملل و شرایط بین المللی ایجاد شکل یا هم پیوندی های منطقه ای است که در دوره جنگ سرد و بخصوص پس از آن افزایش بیشتری پیدا کرده است. فروپاشی نظام دو قطبی که بوجود آمد، کشورها خیلی راحت تر توانستند دور

هم جمع شوند و در سطوح منطقه ای بتوانند با همدیگر اشتراکاتی داشته باشند. بر مبنای آن به خصوص در زمینه های اقتصادی تشکل هایی را ایجاد کنند. چرا که با توجه به جهانی شدن اقتصاد هر یک از این کشورها احساس می کردند که باید در این فضای جهانی شدن یک جای پای برای خودشان بوجود آورند. به خصوص کشورهای در حال توسعه فکر کردند که اگر بتوانند با یکدیگر متحد شوند و تشکل های اقتصادی ایجاد کنند، بهتر می توانند با این فضای بین المللی شدن یا جهانی شدن اقتصاد مقابله کنند و یا آمادگی بیشتری داشته باشند تا بتوانند وارد این فضا شوند. به همین جهت بنظر من ایجاد سازمان همکاری های اقتصادی (اکو) که ایران و 9 کشور دیگر عضو آن هستند، خیلی طبیعی است. ایران به عنوان کشوری که از لحاظ شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی به گونه ای که هم در خاورمیانه حرفی برای گفتن دارد و هم در آسیای غربی، آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس در زیر سیستم منطقه ای قرار دارد. آقای طاهریان افزود: بعد از انقلاب ما در چندین سال گذشته به جهت مسائل بین المللی، امنیتی، سیاسی و اعتقادی توجه بسیار زیادی در سیاست خارجی خود به قسمت غربی منطقه داشتیم. یعنی ما بیشتر در فضای خاورمیانه و خلیج فارس تنفس کردیم و عنایت کمتری به شرق خودمان یعنی آسیای غربی، آسیای مرکزی یا قفقاز داشتیم. اگر ما بخواهیم یک دیپلماسی فعال داشته باشیم، به طور حتم نیاز است به این مناطق هم پردازیم. البته نه از سر ضرورت بلکه در جهت یک انتخاب آگاهانه و این ضرورت به این معنا است که اگر در جاهایی ما جلو رفتیم و کارمان انجام شد، که انجام شد ولی وقتی که در آن مناطق با مشکلات روبرو شدیم و متحمل فشار شدیم، به یاد بیاوریم که همسایگانی در آسیای مرکزی، آسیای غربی یا قفقاز هم داریم. اگر با در نظر گرفتن شرایط خودمان به عنوان یک انتخاب آگاهانه دنبالش برویم، این مناطق می تواند فضای بسیار مناسبی را برای ما فراهم کند. وی با اشاره به این مطلب که فضای بین المللی و بخصوص آمریکا مدام و در حد کمتری اروپایی ها خیلی دنبال این هستند که یک فضای بسته ای برای ما بوجود آورند و انزوا را بر ما حاکم کنند، وی از سازمان اکو که اعضای تشکیل دهنده آن از کشورهای آسیای مرکزی هستند به عنوان یک فصل مشترک بسیار خوب که امکان فعالیت بیشتر ایران را در زیر سیستم منطقه ای شرق فراهم می آورد نام برد و خاطر نشان کرد ایران در تعدادی از سازمانهای همکاری های اقتصادی از جمله گروه هشت، سازمان

همکاری های اقیانوس هند، اوپک، گروه 15 عضو است ولی اکو تنها سازمان منطقه ای می باشد که مقر آن در تهران است و این خود زمینه مناسبی را برای ما فراهم می کند. به خصوص اگر نگاه کنیم در این منطقه یک حوزه تمدنی و فرهنگی بسیار مناسبی وجود دارد که زبان، تمدن و فرهنگ مشترک راه را برای ایران آماده تر می کند. اگر بنا باشد که ایران وارد یک فضای اقتصاد بین المللی بشود و بعداً به دلایلی بتوانیم به سازمان تجارت جهانی هم بپیوندیم، سازمان اکو با همکاری های اقتصادی که با آن داریم می تواند پیش درآمدی و مقدمه ای برای تجربه اندوزی یا آماده سازی ایران و اقتصاد ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باشد. وی همچنین نقش ایران به عنوان یکی از سه بنیانگذار سازمان اکو (ایران، ترکیه و پاکستان) را در کمک به تقویت سازمان کلیدی دانست و تاکید کرد که ایران باید لوکوموتیو حرکت این سازمان باشد و تلاش کند که بیش از گذشته در آن فعالیت کند تا سازمان حرکتی رو به جلو داشته باشد، چرا که به لحاظ تئوریک مشخص شده است که در سازمانهای منطقه ای اگر یک کشوری بتواند پرچمدار اصلی باشد در توفیق آن سازمان خیلی موثر است. به عنوان مثال آلمان در اتحادیه اروپا، مالزی در ا.س.ان .

در ادامه آقای طاهریان به چارچوبی که برای سازمان تعیین شده اشاره و نقش هویت اقتصادی این سازمان و پرهیز از سیاسی شدن این سازمان خطر نشان کرد. ایران نیز در رابطه با سازمان بیش از هر چیز باید بر روی مسائل اقتصادی و ایجاد همکاری ها و تسهیلاتی که بتواند به همکاری های اقتصادی کمک کند تاکید کند. وی ایجاد انگیزه در کشورهای عضو اکو برای فعالیت بیشتر در سازمان را موثر دانست و گفت: هم اکنون تعدادی از کشورهایی که عضو اکو هستند چندان رغبتی برای فعال بودن در سطح سازمان ندارند. اینها باید فعال و تشویق شوند و رغبت بیشتری پیدا کنند. یا اینکه در رابطه با سازمان احساس سودی کنند که تا بتوانند در سازمان فعالیت بیشتری داشته باشند. به اعتقاد آقای طاهریان سیاست خارجی و دیپلماسی منطقه ای ایران با اکو بسیار گره خورده است به طوری که می توان گفت توفیقات و عدم توفیق و ناکامی های اکو را پای ایران می نویسند، به همین جهت ایران باید آمادگی، شناخت و فعالیت بیشتری در زمینه اکو داشته باشد و همچنین باید آمادگی داشته باشد برای اینکه که بهره برداری های بلند مدت برای سازمان داشته باشد در کوتاه مدت امتیازدهی کند.

وی در بخش پایانی صحبت‌هایش با اشاره به این مطلب که با آمدن آقای دبیرکل فضا در اکو آماده تر شده است، گفت: سازمان اکو از سال 1992 با پیوستن آن 7 کشور یک شکل واقعی پیدا کرد. از سال 1992 تا کنون که در سال 2009 هستیم چیزی حدود 15، 16 سال می گذرد. این دوره در اصل برای ساختارسازی اداری و سازمانی در خود سازمان، طی شده است و در حال حاضر به یکسری اطلاعات اولیه که نیاز داشتیم آماده شده است. یعنی در حال حاضر اسناد مادر موجود است و باید به سمت کاربردی تر کردن سازمان برویم. باید هم کارآمدی سازمان را بالا ببریم و هم کاربرد و کارکرد سازمان طوری باشد که برای دیگر کشورها بصورت عینی مشخص باشد. صحبتی هم که با آقای دبیرکل داشتیم ایشان آمادگی کامل خود را باری آن که سازمان به سمت پروژه محوری برود اعلام کرده اند. اگر بتوانیم تعدادی پروژه را انجام دهیم که این پروژه ها بصورت ملموس اولاً نتیجه بخش باشد و کشورها هم احساس کنند که به هم نزدیکی بیشتری دارند و از حضورشان در سازمان منفعتی نصیبشان می شود. دوم ارتقاء سطح زیر بناها در خود سازمان است که این کار باید انجام شود. مورد دیگر این که در حال حاضر ما باید خودمان را بیشتر با سازمان های بین المللی، سازمان های منطقه ای دیگر و کشورهای دیگر پیوند بزنیم. ما در منشور اکو سازمانی خود یعنی منشور اصلاح شده از میر جایی به غیر از عضو نداریم. این باید تعریف شود که اگر کشورهایی خواستند به صورت ناظر در ابتدای امر با سازمان همکاری کنند، جایشان دیده شود. و یا این زمینه فراهم شود که بعضی از کشورها به عنوان مدل گفتگو و یا طرف مذاکره با ما کار کنند. در حال حاضر امکانات خیلی خوبی وجود دارد که ما با بانک ها، سازمان های بین المللی و اتحادیه اروپا کار کنیم. همه اینها می تواند زمینه هایی را فراهم کند تا سازمان هر چه قدر که جلوتر می رود بتواند با انجام پروژه های خیلی ملموس و فعال تر در صحنه افزایش همکاری های اقتصادی برای کشورها پیش برود.

این نشست با سخنرانی آقای دکتر آقایی ادامه یافت. در ابتدا ایشان به بیان مطالبی در مورد منطقه گرایی و شرایط منطقه ای و همکاری های منطقه ای پس از جنگ سرد پرداختند. همان طور که می دانید، پایان جنگ سرد در واقع با آزاد شدن بسیاری از نیروهایی که در جریان جنگ سرد درگیر بودند، همزمان بود. و به طور طبیعی رویکردها و برنامه ریزی ها هم معطوف به رقابت های ناشی از جنگ سرد بین دو ابرقدرت بود و فرصت چندانی برای پرداختن به

مسائل منطقه ای و منطقه گرایی وجود نداشت. اگرچه باید قبول کرد که منطقه گرایی فرایندی است که تقریباً از دهه 50 میلادی در بین کشورهای اروپایی که امروزه مراحل تکاملی خود را طی کرده اند و به موقعیت اتحادیه اروپایی رسیده اند، آغاز و گام هایی به سرعت برداشته شد. ابتدا این گام ها در مسیر همکاری های اقتصادی بود و بعد حوزه های امنیتی، سیاست خارجی مشترک و موضوعاتی دیگر را هم در بر گرفت. به هر حال الگوهایی هم که امروزه در جهت همکاری های منطقه ای اتخاذ می شود، الگوهای اقتباس شده از همکاری های منطقه ای اروپا است.

این روند در اروپا شروع شده بود. اروپا که خودش یکی از قطب های قدرت بود و در جریان رقابت های جنگ سرد فرصت و امکاناتی داشت. کمک هایی از سوی آمریکا می شد تا در این مسیر گام بردارد. ولی برای دیگر مناطق چنین شرایط و موقعیتی وجود نداشت. بعد از جنگ سرد نیروهای درگیر جنگ سرد که پس از جنگ در کشورها و مناطق مختلف آزاد شده بودند، تلاش کردند که با توجه به تغییر ساختار نظام بین الملل و تحولات بنیادینی که در عرصه بین المللی رخ داده بود و به دلیل فقدان یک هژمونی که فشارهای خودش را بر کشورها در مناطق مختلف وارد کند، این امکان و این فرصت در اختیار دولت ها در مناطق مختلف قرار گرفت که به سمت همکاری های بیشتر سوق پیدا کنند. ضمن اینکه نوع تعاملاتی که در گذشته مبتنی بر رقابت های ایدئولوژیک و سیاسی بود، به تعاملات اقتصادی و فنی تغییر ماهیت داده بود. با توجه به این منطقه گرایی به طور کلی بر همکاری های اقتصادی و فنی، در دوره پس از جنگ سرد مبتنی است. این فرصت مغتنمی بود به ویژه اینکه جهانی شدن و جهانی گرایی هم این رویکرد را تسریع کرد. این شرایط فراهم شد تا خیلی از کشورهایی که توان ادغام در اقتصاد جهانی را نداشتند، در داخل مناطق خودشان با توجه به امکانات و تجربیاتی که دارند بتوانند مشکلات منطقه ای خودشان را حل و فصل کنند.

به هر حال براساس تجربیات تاریخی و درک و استنباط از اشتراکاتی در حوزه های فرهنگی، سیاسی، قومی، نژادی و همچنین لزوم دفع خطرهایی که در داخل یک منطقه اقتصاد و یا امنیت آنها را دچار مخاطره می کرد، به سوی همکاری و همگرایی حرکت کردند. خوشبختانه ما زمینه های توسعه همکاری در گوشه گوشه جهان در مناطق مختلف را شاهد هستیم. وی در ادامه با اشاره به وجود یکسری از عوامل و مولفه ها که می توانند بسترهای

مناسبتی را برای توسعه همکاری‌ها در مناطق مختلف و به خصوص در بین کشورهای آکو ارتقاء بخشند، خاطر نشان کرد: منطقه‌گرایی در مناطقی موفق تر بوده است و یا در آینده موفق تر خواهد بود که در واقع سطح توانایی‌ها و سطح توسعه اقتصادی بین کشورهای آکو می‌خواهند وارد یک چرخه همکاری منطقه‌ای شوند متعادل و بهم نزدیک باشد. وجود تفاوت‌ها بین سطوح توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های اقتصادی در بین کشورهای آکو می‌خواهند در یک چرخه همکاری جویانه وارد تعامل شوند مشکل آفرین است.

نمونه عینی آن را در داخل آکو می‌بینیم. بین سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان تا حدودی نزدیکی‌هایی وجود دارد و ما از نظر سطح توسعه اقتصادی مشترکاتی را می‌بینیم. ولی بین این سه کشور و کشورهای دیگر آکو تفاوت‌های بارزی وجود دارد. این امر خودش عامل پیشرفت همکاری‌های اقتصادی نبوده است؛ بلکه یک عامل بازدارنده بوده است. به هر حال اگر سطح همکاری‌ها یا سطح توسعه اقتصادی بین کشورهای آکو می‌خواهند به لحاظ جغرافیایی وارد یک چرخه همکاری جویانه باشند بهم نزدیک باشد، بطور طبیعی امکان موفقیت بیشتر است. عامل دیگری که می‌تواند زمینه ساز موفقیت باشد وجود پیوندهای مشترک در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی، زبانی، مذهبی و غیره است. خوشبختانه در بین کشورهای عضو آکو این مشترکات در ابعاد مختلف زیاد دیده می‌شود. این زمینه مساعدی را برای توسعه همکاری‌ها فراهم می‌کند.

نکته دیگری که می‌تواند زمینه موفقیت توسعه همکاری منطقه‌ای را فراهم آورد عدم مداخله یک قدرت هژمون یا یک نیروی بین‌المللی است. به طور طبیعی کشورهای درون این منطقه بهتر از دیگران می‌توانند مسائل و مشکلاتشان را درک کنند و راه حل‌های منطقه‌ای، بهترین راه حل‌ها برای حل معضلات و دفع تهدیدها است. اگر قدرت‌های منطقه‌ای به مداخله پردازند پیشرفت کار را با مشکل روبرو می‌کنند. هر منطقه‌ای که توانسته است به دور از مداخله قدرتهای خارجی اقدامات خودش را دنبال کند از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است. نکته دیگری که می‌تواند زمینه ساز کمک به موفقیت یک سازمان منطقه‌ای یا همکاری‌های منطقه‌ای در درون یک منطقه باشد، تلاش برای ارتقاء سطح تجارت درون منطقه‌ای نسبت به افزایش سطح تجارت برون منطقه‌ای است. کشورهای یک منطقه اگر بتوانند مبادلات تجاری خودشان را افزایش بدهند و نیازهای خودشان را در درون منطقه رفع کنند،

به طور طبیعی بهتر از این خواهد بود که با جهان خارج یا بیرون از منطقه تعامل بیشتری برقرار کنند که این امر متأسفانه در مورد اکو صادق نیست و بیشتر همکاری های تجاری، اقتصادی و مبادلات تجارب با بیرون از منطقه انجام می شود و صادرات و واردات بیشتر با جهان خارج صورت می گیرد تا در درون منطقه و بین کشورهای منطقه. نکته دیگری که می تواند زمینه ساز توسعه همکاری ها باشد، ماهیت و ساختار نظام بین الملل است. پس از پایان جنگ سرد به دلیل تحولات نظام بین الملل و تغییر در ماهیت تعاملات بین المللی از سیاسی-ایدئولوژیک به اقتصادی- فنی و فقدان یک قدرت هژمون که در همه مناطق بتواند به نحوی به امر و نهی بپردازد، زمینه توسعه همکاری منطقه ای در همه مناطق و از جمله در حوزه اکو فراهم شده است. البته متأسفانه در حوزه اکو در مورد این پارامتر اخیر شاهد وضعیت مناسبی نیستیم، یعنی به نحوی همچنان قدرت های فرامنطقه ای تاثیر گذارند. این یکی از موانعی بوده که مانع از پیشرفت خوب کشورهای منطقه اکو شده است. دکتر آقایی دست یابی به همگرایی سیاسی را در سایه توسعه و افزایش وابستگی های متقابل منطقه گرایی که ماهیتی اقتصادی- فنی دارد را محقق دانست و با اشاره به زیرساخت های فراهم شده و برنامه ریزی هایی که برای افزایش توسعه همکاری های اقتصادی و فنی در اکو انجام شده است، اظهار امیدواری کرد که کشورهای عضو اکو به تدریج و با پشت سر گذاشتن مراحل توسعه همکاری در حوزه اقتصادی و فنی روزی وارد چرخه همگرایی سیاسی هم بشوند.

وی در ادامه اشاره می کند که در شرایط کنونی امنیت منطقه ای یکی از الزامات همکاری های منطقه ای به شمار می آید و کشورهای که در مناطق مختلف وارد همکاری های اقتصادی و فنی شده اند، در سایر حوزه ها از جمله در خصوص مسئله امنیت مشترک و تلاش در جهت دستیابی منطقه گرایی امنیتی گام هایی برداشته اند که این مسئله در آینده به نوعی می تواند در مورد اکو نیز به وقوع بپیوندد. وی همچنین در خصوص منطقه گرایی منطقه ای یا امنیت منطقه ای خاطر نشان کرد، امروزه مفهوم امنیت یک مفهوم مبهم و توسعه نیافته است و به همین دلیل تفسیر بردار است. به طور طبیعی دفع خطرها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن و فرایند جهانی شدن از عهده یک یا چند کشور معدود برنمی آید. به ویژه اگر این کشورها ضعیف و ناتوان باشند. این امر هم می تواند انگیزه و کمکی باشد برای اینکه کشورها برای اتخاذ راهکارهای مشترک و در عین حال توانمند که بتواند در برابر تهدیدهای منطقه ای بایستد،

تلاش کنند. به ویژه اینکه کشورهای موجود در یک منطقه جغرافیایی، جغرافیا شرایطی را بر آنها تحمیل می کند. انتخاب راهکارها و اتخاذ رویکردهای مختلف لزوماً بر عهده دولت ها نیست. به عبارت دیگر شرایط و فضای محیطی و منطقه ای دولت ها را ناگزیر به اتخاذ سازکارها و جهت گیری های خاصی می کند. دکتر آقایی همچنین اظهار امیدواری کرد روزی برسد که دولت های عضو اکو با توجه به تلاش های زیادی که در جهت همکاری های اقتصادی و فنی انجام می دهند در نهایت به همکاری همه جانبه اقتصادی دست یابند، هرچند هنوز در این زمینه راه طولانی را در پیش رو دارند. وی در خاتمه افزود: اگر چه ماهیت سازمان همکاری های اقتصادی (اکو)، اقتصادی است ولی دور از ذهن نیست که این کشورها یک روزی با تغییر نام سازمان همکاری های اقتصادی به سازمان همکاری های اقتصادی و امنیتی وارد همکاری های امنیتی هم شوند.

سخنران بعدی این نشست آقای دکتر متقی، سخنرانی خود را با این مطلب آغاز کرد که وقتی از مطالعات منطقه ای در حوزه خاورمیانه صحبت می شود، مثل این است که فردی وارد یک منطقه کاملاً بیگانه شود. یک منطقه ای که هیچ شناخت دقیقی نسبت به شکل بندی های آن محیط منطقه ای ندارد. وی با اشاره به این مطلب که فضای منطقه ای تا زمانی که ماهیت امنیتی داشت باشد زمینه برای ایفای نقش همکاری جویانه کشورهای مختلف منطقه وجود دارد، گفت: در نظر بگیرید تا زمانی که ما سنتو را داشتیم، سنتو زمینه های حمایت از آر. سی. دی را در فضای منطقه ای اکو فراهم می کرد. اما زمانی که در حوزه خاورمیانه که محور اصلی کنش را امنیت و نگاه امنیتی شکل می دهد، فضای جنگ سرد و شکل بندی های امنیت منطقه ای کارکرد خود را از دست داد، هیچ گونه جایگاهی برای ساخت های اقتصاد منطقه ای باقی نماند. به عبارت دیگر زمانی کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی می توانند در چنین فضایی قرار بگیرند که یک نوع شکل بندی امنیتی حاکم بر فضای ارتباطی آن کشورها باشد. دکتر متقی با مشابه دانستن فضای آسیای مرکزی با محیط آسیای جنوب غربی و خاورمیانه و این که در این فضا ارتباطات نمی تواند ماهیت کارکردی داشته باشد، خاطر نشان می کند: این وضعیت در شرایطی در حال شکل گیری است که تئوری های جدید همکاری های منطقه ای حتی گزینه های دوران گذشته را هم مورد نقد قرار می دهد. شما در نظر بگیرید تئوری های کارکردگرایی بر مشارکت و هم تکمیلی کنش اقتصادی بازیگران تاکید داشته اند.

این فضا در اروپا جواب داد، اما دلیلی برای اینکه در مناطق دیگر باقی بماند نقش آفرین باشد وجود ندارد. ایشان به تفسیر بدبینانه نسبت به بقای شکل بندی‌های اقتصاد منطقه‌ای به گونه‌ای که بتوان چنین فرآیندی را به حوزه‌هایی منتقل کرد که فراتر از فضای منطقه فضای اقتصادی به حوزه‌های سیاسی هم منتقل شود ارائه کردند. وی در ادامه افزودند: در اکو سه کشور اصلی ایران، پاکستان و ترکیه در وضعیت مشابه به لحاظ شکل بندی‌های اقتصادی و یا حتی انگیزه برای ادامه همکاری‌های اقتصادی نیستند. امروز وضعیتی که پاکستان با آن رو به روست، یک وضعیت پیچیده است. وضعیت پیچیده‌ای که مربوط به سال‌های گذشته این کشور است. پاکستان کشوری که دولت در آن شکل گرفته و سازمان پیدا کرده است، اما هنوز روند ملت سازی در آن ایجاد نشده است. نشانه‌های فقدان روند ملت‌سازی را می‌توان در شرایط موجود پاکستان مورد مطالعه قرار داد. یعنی با اینکه سازمان اطلاعاتی و ارتش قوی و دولت فراگیری دارد، اما در روند ملت‌سازی خودش با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو بوده است. این وضعیت را در رابطه با افغانستان و مشابه آن را در رابطه با تضادهای سیاسی که در داخل ایران وجود دارد و گسترش این وضعیت به سمت ترکیه را می‌توان دید. یعنی کشورهایی در شرایط همکاری‌های امنیت منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که هنوز فضای ملت‌سازی در درون آنها به گونه‌ای گسترش پیدا نکرده است که بتواند این الگو را به حوزه‌های بیرونی و منطقه‌ای گسترش بدهند. دکتر متقی به این مطلب اشاره می‌کند که در طی حداقل 80 سال قبل از جنگ سرد فضای آسیای مرکزی هم یک شرایط به طور کامل دور از شرایط منطقه‌ای آسیای جنوب غربی و خاورمیانه بود و به همین دلیل در کشورهای این منطقه در دوران اتحاد جماهیر شوروی فضای ملت‌سازی قربانی فضای امپراطور سازی شد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی ما فرایند ملت‌سازی یعنی شرایطی که دولت‌ها در چارچوب اقتدار سازمانی خودشان تلاش می‌کنند تا شکل بندی‌های رسمی را ادامه دهند را مشاهده نکردیم. وی در ادامه افزود: در فضای موجود تمام تئوری‌های منطقه‌گرای بر شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی تاکید دارد. بحث هم تکمیلی اقتصادی و تبدیل هم تکمیلی اقتصادی به همبستگی‌های بین منطقه‌ای در فضای سیاسی و امنیتی جای خودش را به نشانه‌های دیگری که مبتنی بر قالب‌های هنجاری، تصورات و ادراکات میان منطقه‌ای است، داده است. در نظر بگیریید فضایی که در حوزه آسیای شرقی وجود دارد. این منطقه توانسته است تعریفی از روابط خود در داخل منطقه و روابط با

حوزه اقتصاد جهانی را ارائه دهد. باید دید کشورهای حوزه اکو به چه میزان با اقتصاد جهانی پیوند خورده اند و می توانند با اقتصاد جهانی نقش هم تکمیلی ایفا کنند؟ چه چیزی به نام بازارهای جهانی سرمایه داری یا بازارهای منطقه ای سرمایه داری منعکس کننده جلوه هایی از همکاری های منطقه ای است؟ یعنی جلوه هایی از بیگانگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به موازات بیگانگی برای بقای منطقه گرایی در چارچوب اکو خودش را نشان می دهد.

دکتر متقی همچنین فضای امروز اکو را ضعیف تر از هر دوران دیگری دانست و دلیل این امر را عدم توانایی اکو در پیوند دادن هنجارهای مربوط به حوزه آسیای مرکزی با حوزه های آسیای جنوب غربی ذکر کرد تا «در راستای آن بتواند زمینه های مربوط به منافع مشترک را تعریف کند. وی ضمن اشاره به این مطلب که با توجه به فضای موجود کنونی اکو در حال نزدیک شدن به پایان عمر خویش است و بعید به نظر می رسد که سازمان همکاری های اقتصادی اکو بیش از 5 سال دیگر دوام داشته باشد، در خصوص علل این مسئله گفت: علت این است که کشورهای عضو از یک سو در فضای هنجاری هیچ گونه مشابهتی با همدیگر ندارند و برخی از این کشورها در فضای ارتباطات بین دولتی چنین نگاهی را دارند. در نظر بگیرد نگاه ازبکستان را به ایران و پاکستان که نگاهی مبتنی بر فضای همکاری نیست. این کشورها ترجیح می دهند تا الگوی ارتباطی خودشان را در چارچوب شانگهای و یا فضاهای اقتصادی دیگری تعریف کنند که قالب های هنجاری و همچنین نشانه های مبتنی بر هنجارهای مشترک بیشتری داشته باشند. وی افزود: دو نکته اساسی برای شکل گیری و تداوم گسترش فضای منطقه گرایی نشانه های هنجاری بتواند جلوه هایی از هم تکمیلی فرهنگی - هنجاری را ایجاد کند. متاسفانه در حوزه اکو چنین نشانه هایی مشاهده نمی شود.

در آسیای جنوب غربی کره، ژاپن، چین سرمایه ای را در قسمت های مختلف منطقه ای ایجاد کنند به گونه ای که در هر بازار بتواند جلوه هایی از فرهنگ اقتصاد منطقه ای را در راستای منافع ملی کشورها باز تولید کند. نکته دوم در رابطه با بقای سازمان های منطقه ای مسئله مربوط به اقتصاد جهانی است. بدون در نظر گرفتن بازار جهانی اقتصادی امکان بقای اقتصادهای منطقه ای وجود نخواهد داشت.

دکتر متقی در جمع بندی با اشاره به این مطلب که فضای اقتصاد منطقه ای در حوزه ای که مربوط به کشورهای حوزه اکو می شود بیش از هر دوران دیگری در فضای فرسایش قرار

گرفته است، گفت: فرسایش در فضای هم تکمیلی کشورهای عضو، فرسایش در ارتباط با ادراک سیاسی معطوف به همکاری در ارتباط با کشورهای عضو و مهمتر از همه دو نکته آخر که در چارچوب فرسایش در قالب های هنجاری- هویتی و عدم پیوند این کشورها را در فضای اقتصاد جهانی مورد تاکید قرار داد. ترکیه ترجیح می دهد مسائل خود را در رابطه با اقتصاد جهانی و اقتصاد اروپا مورد پیگیری قرار دهد، زیرا فضای اقتصاد جهانی و اروپا می تواند بخش بیشتری از نیازهای اقتصادی ترکیه را تامین کند. به این ترتیب که ترک ها تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا داشتند، هیچ گاه چنین تلاشی را در رابطه با همبستگی های منطقه ای با یک مجموعه آسیایی نشان ندادند و در آینده هم نشان نخواهند داد. بنابراین مولفه های فراملی مثل قالب های هنجاری به موازات مولفه های فراملی که مسائل مربوط به اقتصاد جهانی را در بر می گیرد، دو عامل بسیار اساسی در ارتباط با تثبیت و تداوم قدرت سازمانهای منطقه ای محسوب می شود. وی در خاتمه صحبت هایش خاطر نشان می کند: اگر اکو بخواهد بقای سازمانی و ساختاری خود را حفظ کند، نیاز همه جانبه ای دارد که فراتر از فرایند ملت سازی در درون کشورهای خودش به فرایندهای ملت سازی در فضای منطقه ای یعنی تولید هنجارهای منطقه ای فکر کند و براساس هنجارهای منطقه ای بازارهای منطقه ای را شکل دهد و در این ارتباط به اقتصاد جهانی و بازار جهانی اقتصادی به هیچ وجه نمی تواند توجیه باشد. منطقه گرایی بدون توجه به قالب های هنجاری و بدون توجه به نشانه های اقتصاد جهانی امکان بقای بسیار محدودی را در شرایط موجود خواهد داشت.

سخنران پایانی جلسه خانم دکتر کولایی با اشاره به صحبت های آقای دکتر متقی که به نوعی دربردارنده واقعیت هایی است که سازمان همکاری اقتصادی اکو در دستیابی به اهداف خویش با آنها مواجه است، عنوان کرد که از بزرگداشتی در این سطح، در دانشگاه تهران این انتظار می رود که ضمن تمرکز بر ظرفیت ها و نکات مثبت، هشدارها و انتظارات را هم مورد توجه قرار بدهد و بحث ما را معطوف به ظرفیت ها، محدودیت ها و امکاناتی که سازمان همکاری اقتصادی با آن مواجه است کند. وی سخنان خود را با صحبت در مورد قرار گرفتن اکو در منطقه ای از جهان که به لحاظ اهمیت استراتژیک یکی از سیاسی ترین مناطق جهان به حساب می آید، آغاز کرد و گفت: در این منطقه بسیار پراهمیت از نظر ابعاد استراتژیک و امنیتی پس از جنگ سرد، می خواهیم تلاش برای جدا ساختن ملاحظات سیاسی از اقتصادی

را تجربه کنیم. تجربه موفق سازمان های همکاری های اقتصادی این بوده است که بتوانند تجربه موفق جامعه اروپا را در شکل دادن به بازار مشترک اروپایی و طی کردن مسیرهای همکاری های اقتصادی، ملاحظات سیاسی را از حوزه اقتصاد کنار بگذارند. وی سپس به تنوع فرهنگی 10 کشور عضو اکو که در عین حال برخوردار از میراث تاریخی ارزشمند هستند اشاره کرده و عنوان کرد، این ظرفیت ها هم چشم اندازهایی را برای توفیقات آتی سازمان همکاری اقتصادی ارائه می کند و هم همان طور که آقای دکتر متقی اشاره کردند ما را متوجه چالش های فرا روی این سازمان می کند. نکاتی که مطرح شد نشان می دهد ما در برآوردهای مان از توانایی های این سازمان در پاسخ دادن به نیازهای کشورهای عضو باید بسیار واقع گرا باشیم. یعنی ضمن اینکه جنبه های آرمانی را مبنای این همکاری و توسعه این همکاری قرار می دهیم، اما نمی توانیم به تجربه همکاری های منطقه ای در بین کشورهای در حال توسعه بی توجه باشیم. به ویژه که سازمان همکاری های اقتصادی مانند آر.سی.دی دارد. در آر.سی.دی که سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان را با جهت گیری های سیاسی کم و بیش یکسان در جریان های مربوط به سیاست بین المللی در کنار هم قرار داده بود سازمان اکو تبدیل شده است یعنی اعضای سازمان همکاری های اقتصادی آن پیشنهاد را دارند.

دکتر کولابی ضمن تایید صحبت های آقای دکتر آقایی و همچنین دبیر کل اکو در این خصوص که کشورها با ظرفیت های مشخصی برنامه ریزی های شان را دنبال می کنند و این ظرفیت ها در سازمان همکاری اقتصادی ظرفیت های بسیار قابل توجهی است، گفت: در دهه دوم فعالیت سازمان همکاری اقتصادی همان طور که آقای دبیر کل هم اشاره فرمودند اسناد و مدارک و مقدماتی که به نوعی چشم اندازهای همکاری در این سازمان را برای اعضا روشن کند، تدوین و تنظیم شده است. توسعه همکاری با سازمان های بین المللی در واقع تلاش برای استفاده از ظرفیت های کارکردی نهادهای تخصصی سازمان ملل، از نکات مثبتی است که در سازمان همکاری اقتصادی به درستی مورد توجه قرار گرفته است. از آن مهمتر توسعه زیرساخت های این همکاری ها به ویژه در حوزه ارتباطات می باشد. کشورهای آسیای مرکزی اعضای جدید سازمان همکاری اقتصادی ضمن همه تحولاتی که در 16 سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی اتفاق افتاده است و به هر حال توجهاتی که در این کشورها نسبت به توسعه روابط با روسیه و بازسازی این روابط اتفاق افتاده است. دگرگونی هایی که در آذربایجان شکل

گرفته است تاثیر عوامل بیرونی را بر سازمان همکاری اقتصادی کاملاً برجسته می کند. این به مفهوم از کار افتادن ظرفیت های درونی این سازمان نیست. این ظرفیت ها در سطح منطقه علی رغم اینکه مسیر خیلی هموار و آسانی را پیش روی ما نمایش نمی دهد، اما ما را متوجه دشواری این مسیر می کند. ضمن اینکه ما را متوجه ظرفیت های این کشورها برای توسعه همکاری های اقتصادی، اجتماعی و پرهیز از ملاحظات سیاسی می کند. اعضای اکو در منطقه ای از جهان قرار گرفته اند که یکی از سیاسی ترین مناطق جهان به حساب می آید. اما این کشورهای عضو می توانند با تمرکز بر وجوه اقتصادی- فرهنگی استفاده از این ظرفیت ها را مورد توجه قرار دهند. وی در ادامه افزود: اگر سازمان همکاری اقتصادی دهه دومش را با توجه به تجربیات دهه اول و با توجه به تحولات بین المللی که به ویژه بعد از 11 سپتامبر در این منطقه بسیار سیاسی از جهان تمرکز بر فعالیت های اقتصادی را دشوار کرده است، اما هم زمان همکاری با سازمان های تخصصی ملل متحد و در واقع استفاده از ظرفیت هایی که در کمتر سازمان های منطقه ای می توان آن را سراغ گرفت، بنظر می رسد مجموعه ای را پیش روی ما قرار می دهد که از یک سو ما را متوجه دستاوردها می کند، این دستاوردها در جلب و جذب همکاری های فراملی و در واقع استفاده از نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد یک تجربه فوق العاده قابل تامل و توجه است. از سوی دیگر چشم اندازها چالش های فرا روی این سازمان را مشخص می کند. دکتر کولایی با اشاره به تجربه آر.سی.دی و تجربه دو دهه فعالیت سازمان همکاری اقتصادی و اینکه این تجربیات می تواند ما را در ارائه توصیه ها و راهبردهایی برای سازمان البته با تاکید بر صبر و حوصله و واقع گرایی و نه ارزیابی خیلی خوشبینانه و غیر واقع بینانه و نه چشم پوشی از ظرفیت های همکاری بین کشورهای سازمان، یاری رساند، گفت: ما برای استفاده از ظرفیت های توسعه همکاری های منطقه ای در وجه اقتصادی و فرهنگی در مجموعه کشورهای عضو این سازمان که همه به جوامع در حال توسعه (کمتر توسعه یافته یا بیشتر توسعه یافته) تعلق دارند، همه آنها کمتر یا بیشتر با مشکلات امنیتی که فرایند رشد و توسعه را با دشواری های جدی مواجه می کند، رو برو هستند. به نظر من این واقعیت ها ضروری می سازد که کشورهای عضو تلاش هایی را که برای استفاده از دستاوردهای جامعه جهانی در رفع موانع رشد و توسعه خودشان تا به حال انجام داده اند را همچنان با امیدواری و با نگاهی مثبت ادامه دهند.

